

... و در سال ۱۸۷۹ در لندن تولد یافت ، در
 مدرسه تن بریج ۲ تحصیل کرد، و در سال ۱۸۹۷ وارد کینگز کالج
 کمبریج شد. پیوند او با کینگز کالج در سراسر عمر ادامه یافت و در
 ۱۹۴۶ به عضویت افتخاری آن انتخاب شد. خود او اعلام می داشت که
 زندگی اش بر روی هم یکنواخت و کم ماجرا بوده است، و در باب
 موفقیت های خود نیز همچنان فروتن و بی ادعا بود. در مصاحبه ای که
 بنگاه سخن پراکنی انگلستان به مناسبت هشتادمین سالروز تولدش با
 وی به عمل آورد گفت: «چندان که خود می خواسته ام ننوشته ام... به
 دو دلیل می نویسم؛ یکی برای پول درآوردن، و یکی هم برای جلب
 احترام مردمی که مورد احترامم هستند... و بهتر است اضافه کنم که
 مطمئنم رمان نویسی بزرگی نیستم.» اما داوری منتقدان برجسته و عامه
 مردم جزاین بوده است؛ رمان گذاری به هند تنها در چاپ پنگوئن
 بیش از یک میلیون نسخه فروش داشته است.

-
1. Edward Morgan Forster
 2. Tonbridge
 3. King's College

آنها همگی برای بدرقهٔ لیلیا به ایستگاه چرینگ کراس^۱ آمده بودند. از فیلیپ گرفته تا هریت، ایرما، و خود خانم هریتون^۲. حتی خانم تئو بالد^۳ هم در معیت آقای کینگ کرافت^۴ رنج سفر از یورکشایر را بر خود هموار کرده بود تا با دختر یکی یکدانه اش وداع کند. بستگان مادموازل ابوت^۵ هم به همین منوال دور و بر مسافرشان را گرفته بودند، و لیلیا از مشاهدهٔ این فوج آدمی که همگی همزمان باهم حرف می‌زدند و سخنانی چنان جور و واجور و متفاوت بر زبان می‌راندند بی‌اختیار غش و ریسه می‌رفت.

بعد، در حالی که با ولننگاری از پنجرهٔ واگن درجهٔ یک خود به بیرون خم می‌شد، فریاد زد: «عجب بدرقه‌ای! ممکنست ما را با خانوادهٔ سلطنتی عوضی بگیرند! راستی، آقای کینگ کرافت برای ما گرم کن می‌گیرید؟»

1. Charing Cross

2. Herriton

3. Theobald

4. Kingcroft

5. Abbott